

## مصر در آستانه انقلاب

«امروز روزی است که ملت مصر برای گذراندن این تکلیفی است برای ملت مصر، برای خدا از اسلام دفاع کنند»

(امام حسین)

انقلاب اسلامی ایران با ویژگی ضد استکباری خود و با بسیج نوده های مستضعف علیه مستکبرین مغرور و نوظهوری رنگارنگ و گوناگون امپریالیستها و ایادیشان در منطقه تأثیر بسزایی بر ملتها و خصوصاً مردم مستضعف خاورمیانه گذاشته است و بسبب اینست که ما امروز شاهد حرکت های رهپویانه و استقلال طلبانه ملتها از طرفی و دست و پا زدن مزدخانه دشمن از طرف دیگر می باشیم امروز



کیلومتر مربع و جمعیت آن حدوداً ۴۰ میلیون نفر است. پایتخت رسمی آن قاهره ۵/۲ میلیون نفر جمعیت دارد. زبان مردم مصر عربی و دین رسمی آنها اسلام میباشد. مصر یک کشور کشاورزی بوده و مهمترین محصولات آن پنبه است. این سرزمین از قریباز بدلیل موقعیت خاصی که داشته است مورد هجوم استعمارگران واقع شده است زمانی استعمارگران انگلیس این سرزمین را زیر سیطره خود داشتند و بر آن حکمرانی میکردند و روز دیگر با شیوه های جدیدتر و پیچیده تری امپریالیزم آمریکا از منافع این خطه استفاده میکردند و میکنند.

تاریخ کهن مصر خود از قدمت بسیار زیادی برخوردار است. از فرعون و رود نیل تا اهرام ثلاثه، قیام موسی در این سرزمین و شاید هم پیشترها انبیاها و واقعات دیگری را سرزمین مصر بخود دیده است. ولی امروز بنا به شرایط خاصی که در مصر میگذرد برای شناخت جریانهای و زمینه های بروز آنها شاید چندان ضرورتی به مرور تاریخی به این درازا نباشد. که خود به وقت و دقت بیشتری هم محتاج است. لذا به سال ۱۸۸۱ بر میگردیم.

### مصر در جنگال استعمار انگلیس

سال ۱۸۸۱ زمانی که گروهی از افسران انقلابی به رهبری سرهنگ احمد اعرابی دهقان زاده مصری علیه خدیو مصر که از سرسپردگان حکومت و سلاطین عثمانی بود سر به شورش برداشتند. بر اثر شورش آنها پادشاه مصر مجبور شد که به یکسری اقدامات اصلاح طلبانه تن دهد و برای اینکه این شورش را از گسترش باز دارد. حکومت نوبنی را که افسران مصری نیز در آن نقش داشتند پذیرفت.

امپریالیسم انگلیس که آنزمان در آستانه فزونی قدرت بود با حضور چنین حکومتی منافع کوتاه مدت و مهمتر از آن منافع دراز مدتش در معرض خطر جدی قرار گرفته بود لذا بدلیل تضادی که با چنین حکومتی داشت انگلیسها را وادار کرد که به یک حمله وسیع بر علیه مردم مصر دست بزنند و بالاخره در سپتامبر ۱۸۸۲ مصر دست بزنند و به اشغال خود در آورند و بدستگونی بود که کشور فقیر زده و استعمار زده مصر پس از رهایی از جنگال استعمار عثمانی، اسیر استعمار انگلیس شد. پس از بدست گرفتن قدرت انگلیسها یعنی طرفداران انگلیسها در مصر هزاران افسر انقلابی و مردم مصر را از دم تیغ گذراندند تا حاکمیت خود را بر مردم محروم این خطه تثبیت کنند.

### شیوه های جدید استعمارگران

تدریج و با گذشت چهلین سال و پس از جهاد

\* عدم برخورد قاطع با سرمایه داران، فئودالها، روشنفکران وابسته به شرق و غرب، سلطنت طلبان و فرقه های طلبان و راه را برای انحراف و حتی شکست نهایی انقلاب مصر هموار نمود.

پس از پیروزی انقلابیستایان خواهد شد. همگام با اوج گیری نهضت اسلامی مصر آمریکا و اسرائیل منحصراً برای فرونشاندن خشم نوده های مصری علیه دولت محترم و مسئولین آنها اقدام به آتش زدن تواناییها از حمایت مالی و معنوی از نوکران خویش می گویند. و امروز مصر تبدیل به دو قطبی شده است که یکطرف آن سرمایه داران، طلبانها و ایادی امپریالیستها و سردیگر آن سروهای مسلمان استقلال طلب و از انحراف قرار گرفته اند.

برای شناخت بیشتر جریانهای موجود در مصر و اینکه این روند در تکامل خویش به کجا می انجامد لازم است مروری بر این سرزمین داشته باشیم. در این خصوص لازم است تا همگام با تاریخ نگامی بر این منطقه بپردازیم.

مصر سرزمینی است در شمال شرقی آفریقا و شده جزیره سینا، وسعت آن حدود ۱/۲ میلیون

مناهد سرایی و اقوال امپریالیزم بود و می بینیم که ملتها برای رهایی از ظلم و ستم بیچاره اند تا انتقام خویش از جباران و ظالمان بگیرند و بول امام این قرن فرور علیه مستضعفین مستکبرین است.

یکی از کشورهای که دستخوش تحولات و دگرگونیهای عمیقی شده است، مصر می باشد. حرکت های بزور مصر و تلاش که امپریالیستها برای خاموش کردن فرمانهای مردم عظیم و ستم کشیده مصر می کنند بیانگ انحرافی بودن در منطقه می باشد.

نهضت اسلامی در مصر که با مرگ سادات این فرعون قرن به اوج خود رسید همچنان به پیش میرود و امروز مصر در آستانه انقلاب قرار گرفته است که اگر با جریانات درون آن برخوردی درست و اصولی صورت پذیرد حرکت های انقلابی مسلمانان مصر تسارع شده و



اینکه کشورهای مستعمره یکی پس از دیگری استقلال می‌یابند، امپریالیستها هم به این نتیجه میرسند که اشغال کشورها و حاکمیت افرادی غیر بومی بر سرزمینهای مناسب برای چپاول و استعمار نمی‌باشد. لذا به شیوه‌های جدیدی دست‌یازیدند و آن روی کار آوردن حکومت‌های بومی ولی وابسته که بتوانند حافظ منافع آنها در آن دیار باشد، بود. بر همین اساس بود که از طرفی امپریالیزم انگلیس با این امید و تحت فشار روز افزون مردم مسلمان مصر سرانجام در سال ۱۹۲۲ به استقلال این کشور تن در داد ولی از طرف دیگر وجود نیروهای استقلال طلبی و آزادیخواه و جنبش آزادیبخشی که در مصر در حال پا گرفتن بود به استعمارگران این اجازه را نداد که تمامی نیروهایشان را از مصر فرا خوانند و بنابراین باید بطرفی برای حضور نیروهایشان در منطقه توجهی می‌آوردند. امپریالیزم فرتوت انگلیس برای تأمین مطامع استعماری خود در سال ۱۹۳۶ بر اساس یک قرار داد استعماری با حکومت وابسته مصر ۸۰ هزار

**\* امپریالیستها پس از اینکه**  
 کشورهای مستعمره یکی پس از دیگری استقلال می‌یافتند به شیوه‌های جدیدی برای استعمار دست‌یازیدند و آن روی کار آوردن حکومت‌های بومی وابسته که بتوانند حافظ منافع آنها در آن دیار باشد، بود.

رهنمون می‌سازد. در ۱۸ ژوئن ۱۹۵۳ شورای افسران آزاد، رسماً جمهوری عربی مصر را تشکیل دادند. این شورا و در رأس آن ناصر اهداف و آرمان‌های بسیاری را در سر می‌پروراند، از جمله آزاد ساختن مصر از دست استعمارگران و بدنبال آن آزادی قدس از دست صهیونیستها بود برای این امر ناصر اتحاد بین اعراب را ضروری میدانست. ناصر می‌اندیشید که تاسیونالیزم عربی بهترین شعار برای بسیج عربها بر علیه اسرائیل غاصب است.

اولین اقدام عظیم‌ترانه افسران آزاد مصر اخراج انگلیس از منطقه‌ی کانال سوئز بود که در تاریخ ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۶ صورت گرفت. این عمل و این اقدام جسورانه ختم امپریالیستها را بر انگیخت چرا که از این طریق علاوه بر

را رنج میداد تمامی این فشارها از یکطرف و از طرف دیگر فعالیت نیروهای آزادیخواه و استقلال طلب زمینه‌ساز انقلاب ۲۳ ژوئیه مصر شد.

### انقلاب مصر امیدی در دل ملل محروم عرب

و سرانجام سازمان افسران آزاد مصر به ریاست جمال عبدالناصر در سال ۱۹۵۲ توانستند رژیم پوسیده فاروق را سرنگون کرده و خود قدرت را در دست بگیرند. پس از این تحول مصر وارد مرحله جدیدی میشود. افسران انقلابی با نقطه نظرهای ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی بارقه امید را در دل میلیونها مردم مصر نشانده و همه چشم به حکومت جدید دوخته بودند تا ببینند که راه نجات را چگونه نشانسان خواهد داد و آنها را از کدام مسیر به ساحل نجات

نظامی خویش را وارد کانال سوئز کرده و انجارا به اشغال خود در آوردند.

در طول همین سالها و بعد از آن بود که سازمانهای مختلف با اهداف گوناگون در مصر بوجود آمدند و شکل گرفتند. در سالهای ۴۶-۴۵ مردم مسلمان مصر به خیابانها ریختند و خواستار اخراج نیروهای انگلیسی از رطشان شدند. ملک فاروق پادشاه رفت که تیشه عمرش در دست انگلیسها بود بدلیل ترس و فرس از قیام و خروش مردم مصر و برای اینکه با اصلاحاتی این قیام و جنبش را در نقطه خفه کند در سال ۱۹۵۱ قرار داد استعماری سال ۱۹۳۶ با همان اشغال کانال سوئز بدست انگلیسها را ظاهراً ملغی اعلام کرد. پس از آن بدلیل فشارهایی که دولت انگلستان وارد می‌کرد جنبشهای کارگری در کانال سوئز شکل گرفت. فقر اقتصادی، فشار استعمارگران، فشار دولت ارتجاعی فاروق مردم

جهاد

## مصر در آستانه .....

استقلال سیاسی، مصر به استقلال اقتصادی دست می‌یافت و این برای اسرائیلیان و اسرائیلیها و انگلیسها بسیار گران تمام میشد لذا مزدوران انگلیس - فرانسوی و اسرائیلی متحداً به مصر حمله کرده و بدین طریق این اقدام را خاموش ساختند. و در این مسیر حتی محاصره اقتصادی را به مردم فقیر مصر تحمیل کردند.

ناصر برای رهائی فلسطین و آزادی سازی فلسطین عزیز طرحها ریخت و به بعضی از آنها نیز جامه عمل پوشاند ولی بدلیل ضعفهایی برجش مصر حاکم بود خصوصاً ندانستن چهار چوب شخص و وابسته بگوئیم ندانستن مکتبی که تمامی روابط و ضوابط با معیارهای آن محک زده شود، باعث شد که این اقدامات به نتیجه نهایی نرسند و نتیجه راه از هم بپاشند. مثلاً در سال ۱۹۵۸ بر اساس مذاکراتی که بین سوریه و مصر صورت گرفته بود جمهوری متحد عربی شکل گرفت. هر چند این حرکت در کوتاه مدت آنهم در آن مقطع خاص نبود بسیاری داشت و سخت امپریالیستها را به وحشت انداخته بود ولی عملاً نتوانست اهداف ناصر را جامه عمل بپوشاند و چندی بعد با کناره گیری سوریه این جمهوری متزلزل شده و عملاً از بین رفت.

تشکیل فدراسیون چماقیر عرب یکی دیگر از اقدامات ناصر بود این فدراسیون که مرکب از سوریه، لیبی و مصر بود تا حدی اهداف فوق را بر آورده میساخت ولی بعثت توطئه های رنگارنگ امپریالیزم جهانی و بدلیل ضعفهای موجود در این مسیر این اتحاد نیز به ثمر نمانی نشست. در روند انقلاب در مصر، ناصر برای استقلال اقتصادی و خود کفایی در این زمینه کوشش بسیار می نمود. این انقلابی عرب تمامی بانکهای انگلیسی - فرانسوی و ... کارخانه ها و شرکتهای وابسته، موسسات حمل و نقل و ... را

ملی اعلام کرد. در زمینه کشاورزی و در راه مبارزه با فئودالیسم اصلاحات ارضی براساسی را به مرحله اجرا در آورد. احداث سد اسوان و قنات بسیار و ... باعث شد که محصولات کشاورزی سیر صعودی و سریع را بپیمایند و در دیگر زمینه ها دست به یکسری اقدامات بنیادین زد.

در زمینه سیاسی بنها دادن به کارگران و کشاورزان از جمله اقدامات انقلابی ناصر می باشد بطوریکه در ترکیب کنگره ملی مصر در سال ۱۹۵۷ چهار کارگر راه یافته بود و در انتخابات مجمع اختیارات ملی که در سال ۱۹۶۲ برگزار شد ۶۷۵ کرسی از ۱۵۰۰ کرسی مجمع در اختیار نمایندگان کارگران و کشاورزان قرار گرفت بطور کلی اقدامات ریز و درشتی که ناصر انجام داد، در این چند سطر امکان بیان نمی یابند. بررسی سیاست داخلی و خارجی، چگونگی برخورد ناصر با ملل عرب و غیر عرب و ... در یک از ویژگیهای خاص برخوردار است که نرجای خود بحث فراوان دارد.

ولی در خصوص انقلاب مصر آنچه میتوان گفت این است که کیفیت افرادی که در حاکمیت نقش داشتند و یا در آینده مسئولینی بردوش آنها گذاشته میشد شناخته نشد. اگر افراد و شخصیتها و خصصتهای منفی و مثبت بالقوه و یا بالفعلی که در درونشان وجود دارد بدرستی شناخته نشود و به اعتبار نقطه

نقاط ضعف هر فردی بر طرف نگردد، بالاخره روزی نقاط ضعف که شاید بظاهر غالب هم نبوده اند و به اصطلاح آتش زیر خاکستر بوده اند بروز می کنند و بدینگونه بود بوجود آمدن ساداتی خیانتکار که به آرمان خلق عرب، خلق فلسطین و بلکه تمامی خلقهای مستضعف دنیا که امروز در چنگال قدرت ابر قدرتها اسیرند خیانت کرده و میکند اری ضعف عمده ای که در

انقلاب مصر وجود داشت این بود که به سکنی از ضرورتهای هر انقلابی بشور خام و خاصاً انقلاب مصر بی توجهی شده بود و انهم ساختن افرادی با نفوذ و سرمن به انقلاب که توان و کشش مبارزه را تا به آخر نداشته باشند، بود بی توجهی به این مسئله باعث شد که ساداتی ظهور کند که سر سپردگی اش بر طرف و بوتری بی حیره و هواچیش برای اربابانش بر هیچ کس پوشیده نیست. بلاشک قدرت طلبی که خصصه بارز سادات است بی شک تازه در او رشد نکرده است و یکتبیه سادات تقسیم بنگرانی که به خلق فلسطین خیانت کند و با امریکا از در سازش درآید بلکه با توجه به زمینه هایی که در درون سادات وجود داشته با مساعد شدن شرایط این خصصه فرصت بروز نموده است.

بهر حال انقلاب ۲۲ ژوئیه مصر هنوز به اوج قله نرسیده بود که در نیمه های راه متوقف ساخت. انقلابی که نمیتوانست در تقابلیت ریشه سهیر نیست را بکشد انقلابی که اگر در آن مقطع قاطع تر و کوبنده تر پیش میرفت می توانست مرکز ثقلی برای هزاران افراد فلسطینی باشد که در انتظار روز موعود و بازگشت به وطن تابه شماری می کنند. ولی این انقلاب ظمیرغم تمامی اقدامات اصلاحی و حتی بنیادین که در اغلب زمینه ها داشت متأسفانه همانطور که گفته شد بدلیل عدم برخورد قاطع با سرمایه داران، فئودالها، پاروشنفران وابسته به شرق و عرب یا ملاکین و سلطنت طلبان و فرصت طلبانی که به خیال سود در دستگاه نفوذ کرده بودند و ... راه را برای انحراف و حتی شکست نهایی این انقلاب هموار نمود. هر چند ناصر در اواخر عمرش به این مسائل پی برده بود ولی دیگر دیر شده بود چرا که در ۲۸ سپتامبر ۷۰ ناصر بشکل مرموزی و بدست عوامل سیا و موساد در گذشت.

ادامه دارد

## من امروز به .....

بی صبرانه تر شهر را پشت پا می گذاشت و باز هم در طول راه مردان و زنان روستایی بودند که ابراز احساسات می کردند. پیر مردان سالخورده هر چه صمیمانه تر می گفتند دست علی به همراه نان بچه ها... و من مملو از غرور دردل می گفتم: اگر لیاتت انرا داشته باشم پدر...

با نمایش این صحنه ها هر لحظه بارم سنگینتر میشد، احساس می کردم که این دستهای

با عزت از افتخار برادری با تو به خود بالیدم و پیمانم را در عبور از آخرین اطاقک های چوبی و گلین شما محکم بستم و به امید روشنی صبحی پیروز و نزدیک راه گشایه بنور شدم. و اکنون، امیدم تنها، تلاش شناسنت و پیام و آرزویم، آگاهی و هسراعتان.

زخم خورده و این چهره های سوخته و به هم کشیده شده با چشمان بی فروغ اما منتظر، همه و همه به من خیره شده اند و امانت انتقام ستم قرن های جباران و زورمندان را به من می سیرند. و تو خواهرم، روستایی زحمتکش، ای کردزاده غیرتمند، آهنگام که دستت را بر ایمن تکوان میدادی و با چشمانی خجلت زده و حجابی سرشار از حیا مرا بره می سپردی و از تو دور میشدم، سربلند و